

امروز یا مولانا

ای یوسف خوش نام ما
ای در شکسته جام ما
ای نور ما ای سرور ما
جوشی بنه در شور

برش

اعلام ناگهانی و قاطعانه

هاروکی موراکامی



بخورد دست‌پايش را گم
کنند ولي اين نوعي انکار
ببود. در واقع، دردی که او
از این بابت حس می‌کرد،
شدیدتر از این حرف‌ها بود و
به دلیل فاصله فیزیکی بین
او و دوستش، خیلی بیشتر
پروچون سنگینی می‌کرد
از خودنگینگی و تنهایی مثل
کالی شده بود که تا مدتها
کیلومتر طول داشت و یک
جرئت‌ناز غول‌پیکر آن را تا
سرحد پارگی، کشیده بود.
او از طریق آن سیم کشیده
شده شب و روز پیام‌های غیرمطلوب
دیده می‌کرد این پیام‌ها مثل تندی که در بین
درختان می‌پدید می‌شد، گه‌گاه به او می‌رسیدند
گوش‌هاش را می‌گزیدند. درجه‌های مختلفی از
قدرت را در خود داشتند.

دلیل این که چرا مرگ
بر تنسور نور تراکی چنین
تسلطی داشته واضح بود.
یک روز چهار تا از دوستان
صمیمی‌اش که سال‌های
طولانی آنها را می‌شناخت،
اعلام کردند که دیگر هرگز
نمی‌خواهند او را ببینند یا با
او حرف بزنند. اعلام ناگهانی
و قاطعانه‌ای بود و هیچ‌سای
برای مصالحه باقی نگذاشته
بود. دوستانش سرای این
تصمیم خشن شان کلمه‌های
توضیح ندادند و تسوکره‌های
جرات‌نکرد چیزی در این مورد برسرید.
از زمان دیبرسان سابق ۴ نفر دوست بود،
هر چند موفقی که آنها او بر بردند، تسوکره قبل
از اینها دادگاهش را ترک کرده بود و تسوکره
دانشگاه می‌رفت. بنابراین هرچند پیش‌تر تأثیر
فوری‌ای روی کارهای روزمره‌اش نداشت، مثلا
این‌طور نبود که سه‌روزگی خرابش به آنها بر

برشی از کتاب سوکورو تا یکی از رنگ

امروز به چی فکر می‌کنی؟



مردم ایران از نگاه زوج توریست آمریکایی

مختلف که تاریخ بشریت را پوشش می‌دهد، بسیار
قابل توجه است. قسمت‌های بسیار زیادی وجود
دارند که من دوست دارم آنها را دوباره ببینم. ما
فقط قادریم دو هفته در ایران باشیم و به راحتی
می‌توانم این دو هفته را فقط در شیراز و اصفهان و
برای مطالعه همه مکان‌های ایران یکی از شهر
سیرسی کیم فکر می‌کنم که داخل مسجد شیخ
لطف‌الله، زیارتین اتاق جهان است. من می‌توانم
تمام روز آن جایم، بدون این که برای احساس
خستگی کنم.

مجنتی پارسا (اسم نَف Samuel)، یکی از دوستان آمریکایی من است که دوستان او
از ششم صدها می‌زنند. اولین بار در سال ۱۳۸۶ در روزشاه شهید شیرویدی تهران با او آشنا شدم.
پیرمریدی با ۷۵ سال سن، اما بسیار سرحال و پرتوانی که همراه همسر مهربان و تقریباً هم‌سنش،
اروس (Ruth)، تا به حال دوبار به ایران آمده‌اند؛ اولین بار سال ۸۶ و بار دوم در سال ۸۷. قرار بود
چند سال قبل هم به ایران بیایند که متصرف شدند اما این دو نفر بسیار کشور ایران و مردمش را
دوست دارند. وقتی او با صحبت می‌گرم، می‌گفت که دوست دارد هر سال با همسرش به ایران
بیایند؛ هراند که می‌آیند یکی، دوروز در تهران ساسان می‌شوند و این دوروز به بازار بازار خرد
و درند می‌روند؛ بعد به سمت ایبانه، اصفهان و شیراز حرکت می‌کنند و در آن جای برای دیدن این
دو شهر تاریخی و زیبا، دو هفته را اسیر می‌کنند. سم، استاد بازنشسته فیزیک است. همسرش
روس، باستر بازنشسته بیمارستان است که این روزها به باغبانی مشغول است و خود را در درختان
و گل‌ها سرگرم می‌کند. با این حال، این زوج در این سن نیز بسیار فعال هستند و دائما به کارهای
انسان دوست‌سازگرم می‌کنند. با این حال، این زوج در این سن نیز بسیار سرگرم و سرحال هستند و تا سر زدن
به خانه سالمندان و موزیک و هنر می‌روند و هم‌دلی با آنها گفت‌گویی کوتاه را با این زوج دوست‌داشتنی و
انسان دوست‌انجام‌دام که در ادامه می‌خوانید.

فشار ایرانی‌ها با تورست‌ها و به خصوص
خودت چطور بود؟
بسیار زیبا به ما خوشامد گفتند و باعث شدند
که احساس به‌خصوص و خوبی داشته باشیم. فکر
می‌کنم به‌خاطر این که لیب‌های که پوشیده
بودیم با آنها متفاوت بود یا به‌خاطر صحبت کردن
به زبان دیگر، مردم و به‌خصوص جوان‌ها سریع
منوچه می‌شدند که ما تورست هستیم و وقتی
هم‌دیدند ما آمریکایی هستیم باز این خودمان به ما
خوشامد می‌گفتند خیلی بی‌علاقه داشتند. هم‌چیز
را در بارها ما یاداند. من به‌سادگی آمروم که تقریباً
اولین بار خودم را با یک ایرانی، لویه با گفت: غذای
هتل خوب نیست. چرا برای صرف یک‌هفته‌غذای
خوشمزه ایرانی به خانه ما نمی‌آید؟ یا در مورد
دیگر، وقتی برای نخستین بار از همتان خیلی دور
شده بودیم، کم‌شده، اما یک فرستنده، معارفش
را بارها ما را که در آن روز شلوغ کاری ما را تا
هنامان رساند. ما در تمام مدتی که در ایران بودیم،
احساس امنیت می‌کردیم.

چقدر رفتاری از مردم ایران دیدید که شما را
رنجانده است؟ چه در مواجهه با شما و چه در
فرمودها یا یکدیگر؟
من هیچ رفتاری را از مردم عادی به‌خاطر
نمی‌آموخ که ما را رنجانده باشد. همچنین وقتی
وارد ایران کشیدم از ما انگشت‌نمایی انجام شد که
از این موضوع رنجیده‌خاطر شدم، گرچه آن مرد،
بسیار مام‌مهربان بود و انگشت‌نگاری را با حالتی
پوزش‌مانند انجام داد و این رفتار را به سرعت
فراموش کردم.

دندان‌درازی؟
من فکر می‌کنم کشور ایران به‌خاطر مکان‌های
تاریخی‌اش و همچنین تشریف‌نمان دادن تمدن‌های
تاریخی‌اش

حالی از تفکر عجیب‌آکارمان آن زمان بود.
مکان‌های تاریخی ایران چشم‌برآینان جذاب
بود و با این روزها تمدن‌ها و ارزش دوباره



ظفران در بار مکان‌های تاریخی ایران چیست؟
دین مکان‌های تاریخی به‌خصوص انهایی که
قدت بشریتی دارند یکی از مهم‌ترین جنبه‌های
سفر ما به ایران بود. ما خیلی از شهر اصفهان لذت
برده‌ایم. همچنین دین پرسپولیس و بسیاری از
عمارت‌های زیبا برآینان لذت‌بخش بود. علاوه
برآینان به شعر در نظریه‌سعدی و دیگر شاعران، به
خوبی مشهور بود. گرچه خیلی از اتاق‌های فلتزی
درون کاخ‌ها خوش‌نماند. نباید چرا که این اتاق‌ها

یک خبر یک نگاه

تاکسی‌ها، زیر ذره‌بین

در نخستین مرحله کار تاکسی سوخت تاکسی‌های
فاقد پروانه باطل می‌شود و در مرحله بعد همه
سوخت‌آنها به خودروی سواری غیر تاکسی تبدیل
می‌شود.
مدیرعامل سازمان مدیریت و نظارت بر
تاکسی‌های شهر تهران همچنین گفته‌است که
سازمانی و شرکت‌های خصوصی از فعالیت
تاکسی‌های فاقد پروانه هوشمند و غیر مجاز
جلوگیری می‌کنند. مظفر با اشاره به این که ثبت
تخلفات از طریق واحدهای کنترل و گشت ناظران
تاکسی‌های انجام می‌شود، گفت: این واحدها
می‌توانند از طریق سامانه هوشمند ۱۸۸۸ از نظر
مردم در خصوص تاکسی مورد نظر مطلع شوند و
سفرشان می‌تواند با مراجعه به سایت سازمان
تاکسی‌های برای شناسایی و معرفی این تاکسی‌ها
قادر باشند.
با اقدام تاکسیرانی، تاکسی‌ها زیر ذره‌بین
رفتند و باید بیشتر با نظر فاقد پروانه باشند. از
انجایی که یکی از مشکلات مسافران از تاکسی‌ها،
سر قیمت و سودجویی برخی رانندگان بوده‌است،
این اقدام سازمان تاکسیرانی تر نهایت می‌تواند تا
حدودی به رضایت سفرشان تهران منجر شود.

رئیس سازمان تاکسیرانی شهر تهران در مورد
جزئیات طرح کسب اجزای طرح برخورد
ضربتی با تاکسی‌های بی‌پروانه و بی‌شناسنامه در
پایتخت گفت: از ابتدای سال جاری بحث
تعویض کارنامه‌های سنتی و پروانه‌های قدیمی
رانندگان تاکسی به کارنامه‌های هوشمند در
دستور کار قرار گرفت و از انجایی که استفاده از
کارنامه‌های هوشمند امکان نظارت حکاکتری در
قابلیت رانندگان تاکسی را به‌وجود می‌آورد، نظارت
شناسنامه‌ها در دستور کار قرار گرفت.
او همچنین توضیح داد رانندگان تاکسی که
اقدام به تعویض شناسنامه‌های خود کردند، از
ورودشان به ۲۰۰ ایستگاه جلوگیری می‌شود.
براساس این ایستگاه‌ها کدهای جریمه همه
تخلفات از جمله نداشتن سند، مبنای سند، نظارت
نامناسب خودرو و رفتار نامناسب تاکسیران
احصا شده‌است و متاسب با هر تخلف تاکسیران
یک تا سه امتیاز شهر را می‌تواند از دست
بدهد. براساس سامانه سواری شهر به آن نقل
می‌گردد و همچنین کارسخت تاکسی‌های فاقد
پروانه هوشمند و غیر فعال، بعد از مدتی باطل و
رود به محدوده طرح ترافیک جلوگیری می‌شود.

شاتر

اجرای ۴۰ حکم قطعی مقابله با ساخت‌وساز غیر مجاز در منطقه سنگان با حضور عوامل
شهرداری تهران در منطقه سنگان بالا، پایین و میانی به‌مرحله اجرا درآمد.



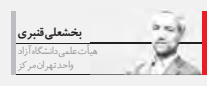
تفسیر متنی (بخش دوم)

رابطه انسان با خدا از نگاه مولانا

فراجهتی، که در رأس آنها، خداوند است، ارتباط
برقرار کنند بنابراین، جهان مسامع از ارتباط
نیست.
هر چند مولانا معتقد است که خود جهان و
مخلوق در این جهان، مانع مراتبی از رابطه
انسان با خداوند می‌شود. اما البته این
ممانعت به معنای ممانعت کلی از ایجاد
ارتباط خداوند و خدا نیست. بنابراین،
خدا می‌تواند و می‌سازد و از طرف دیگر، خدا را
نیز موعودی می‌داند که هم می‌تواند
و هم می‌خواهد با انسان‌ها
ارتباط برقرار کند. مولانا
حلال‌البدن، براساس
این مبانی نظری،
معبدها به عرفان عملی
می‌پردازد.

است. منظور مولانا از بهترین موجودات، "انسان"
است که به تاسی و تبعیت از قرآن، چنین چیزی
را بیان می‌کند. همچنین به تعبیر خود مولانا،
بالاترین انسان‌ها را نیز بهترین هستند که
آنها، عالی‌ترین تجربه‌های رابطه
با خدا را در پیش سر گذاشته‌اند
و که یکی از این مصادیق،
تجربه‌های حیوانی است و
اتفاقا همه این سزگان، از
بر زمین گذاشته‌اند. لذا اگر
زمین، زبیر کرده خداوند نبود،
خدا، نیامده‌است. خداوند را به این جهان
نمی‌فرستاد، به این جهان
جهان شایستگی آن را
دارد که انسان، خدا می
کند که در این جهان است.
بنواند با موعوداتی

چنین رابطه‌ای را براساس آنچه در تاریخ رابطه
انسان و خدا گذشته، تصدیق کنیم و بعد از آن،
می‌توانیم به چنین رابطه‌ای، باور داشته باشیم.
مجموعه تصدیق و باور به اضافه توجیه عقلانی این
باور، ما را به اینجا می‌رساند که رابطه انسان با خدا،
از نظر مولانا هم صادق است، هم می‌توان به آن
باور داشت و هم می‌توان این باور را توجیه کرد از
این مجموعه می‌توان به یک معنی فلسفی خاصی
دست یافت. بنابراین مبانی که مولانا قبل از ورود
به رابطه انسان و خدا به آنها می‌پردازد، می‌تواند
دین مبنای خداشناختی، انسان‌شناختی و
ادامه‌جای شناختی نظریه‌شود.
در باب جهان‌شناختی می‌توان اینگونه سخن
گفت که جیسانی که خدا می‌خواهد - خصوصاً در
متنوبی - به تصویر می‌کشاند؛ اولاً جهانی است
که نظر کرده خداست؛ به این دلیل که خداوند،
بهترین موجوداتش را به این جهان فرستاده



مولانا بر این باور است که خدایی که معرفی
می‌کند، خدای مشخصی است. خدایی است که
به مشخص وجودی دارد، هم انسان‌پوار است، به
این معنا، هم می‌توان به او گفت "تو"، و هم در عین
حال می‌توان با این خدا، رابطه برقرار کرد، چرا که
این خدا انسان‌پوار و صفات انسانی را دارد و چون
است. اما این صفات را در حدی اعلا و نامحدود،
ذاتش در عین حال همان صفات، حلقه ارتباط
انسان و خدا هستند. در نگاه مولانا انسان با
موجودی است که توانایی آن را دارد تا با خدا رابطه
برقرار کند. یعنی انسان، چنین استعدادی را دارد.
و وقتی به این رابطه، نیک‌نگار می‌شود، می‌توانیم

